نگاه

دیپلماسی غیرمنتظره

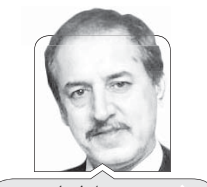

محمدجوادلسانی

در یک گفت‌وگوی نتیجه‌بخش، آنکه صاحب ایده‌های قوی‌تر است می‌تواند بی‌چک و چانه، بالاتر از طرف دیگر بایستد و پیروز حساب شود. میدان دیپلماسی کسی را می‌طلبد که صاحب ایده برتری باشد تا جایگاه او مقبولیت پیدا کند. از روش‌هایی که می‌توان ایده کار را به دست آورد طرح‌های تازه‌ای است که می‌تواند کوبنده‌تر از اتم عمل کند و برای هر مخاطبی از پنجره جهان، غیرمنتظره جلوه یابد و آن سوی میز گفت‌وگو را خلع سلاح کند. از هنگامی که فصل جدید مذاکرات میان دو کشور صاحب دعوی در کشور ثالثی به نام عمان آغاز شد، تا زمانی که بحث‌ها تکرار مکررات گذشته باشد و نکته دندان‌گیری در متن گفت‌وگوها پیدا نشود، در واقع هیچ کاری هم صورت نگرفته است. این‌گونه مذاکرات از نگاه افکار عموم دنیا بی‌فایده تلقی خواهد شد و فقط به اعتبار دو سوی مذاکره لطمه خواهد زد. پس در این میانه، راه خروج از این انسداد کجاست؟ چه کسی بلد است پلن «ب» را عرضه کند؟ چه تدبیری برای خروج از این چرخه گنگ ناشی از سوءفهم‌ها باقی می‌ماند؟ پاسخ روشن برای این پرسش را آن طرفی مدیریت می‌کند که روایت‌هایی در پوشه‌اش باشد که نوید صلح و رواداری از آن فهمیده شود. روایت‌هایی که چاق و پرعضله پرورده شده باشند. اکنون اگر نظری بی‌طرفانه به وقایع پرنج ماه گذشته در خیابان‌ها، بیمارستان‌ها و بازداشت‌ها افکنده شود می‌توان از ژرفای آنها درس‌ها آموخت و عبرت‌ها گرفت. برای آن خسارت‌های جبران‌ناپذیر کاری کرد که تسکینی هرچند اندک بر دل مجروح خانواده‌ها قلمداد شود. بی‌تردید یک اقدام مقتدرانه، آزادکردن بازداشت‌شدگان در نقاط مختلف میهن است. جوانان دختر و پسری که اغلب آنها در طبقه متوسط به پایین جامعه پرورش یافته‌اند و نیت اصلی آنها بهبود اوضاع بوده اما سیر ماجرا به شکل ناگواری به انجام رسیده است و اکنون پس از آن به خیابان آمدن‌های ناگهانی، در حبس هستند. آنها را با توجه به سروشکل‌شان می‌شود از هر گروه تخریبگری تفکیک کرد؛ بیشترشان اهل درس و بحث یا هنر و ورزش هستند. طنین این فرمان عمومی برای آزادی، نه‌تنها ثمرات مثبتی برای داخل کشور خواهد داشت، بلکه در راستای همان روایت‌سازی در برابر بیگانگان بدخواه می‌تواند حسن نیت تیم مذاکره‌کننده را به طرف مقابل دیکته کند. به طور قطع این تصمیم ملی هم‌زمان با روزهای مذاکره، آورده‌های گران‌مایه‌ای برای دیپلمات‌ها خواهد داشت که دیگر نیاز نباشد به تمامی خواسته‌های طرف مقابل پاسخ داده شود؛ زیرا یک کلان می‌تواند جایگزین چند چیز خُرد شود. با توجه به فرصت‌های پرافسوسی که از سر این میهن گذشته و می‌گذرد بیراه نیست اگر با یک حرکت غیرمنتظره، اندوخته‌های نفیسی در لحظه اکنون از قوه به فعل درآید و باعث سرور و عزت ملی شود و اعتماد جهانی را به دنبال آورد. می‌توان با این دست کارها تک‌توشه‌های امید برای آینده جوان این سرزمین نشا کرد که در تاریخ معاصر هم ثبت شود.

بازاندیشی در عقلانیت اجتماعی و رفتار توسعه‌ای در ایران

تجربه بریتانیایی دوراندیشی و توسعه تدریجی

هومن علوی
پژوهشگر اقتصاد توسعه

در جهان پرشتاب، امروزه مفهوم دوراندیشی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. جایگاه ملت‌ها در عصر جدید علاوه بر میزان ذخایر مالی یا قدرت نظامی، با توانایی‌شان در تصمیم‌سازی سنجیده و جمعی در لحظه بحران ارزیابی می‌شوند. تفاوت میان کشورهایی که از بحران عبور می‌کنند و آنهایی که در بحران فرومی‌پاشند، در واقع تفاوت میان «هیجان و عقلانیت» یا تفاوت میان «واکنش و تدبیر» است. بریتانیا نمونه‌ای از جامعه‌ای است که طی قرون متمادی با وجود دوره‌های بحرانی توانسته است عقلانیت اجتماعی خود را به سازوکار نهادینه تصمیم‌گیری تبدیل کند. راز این استمرار در منطق توسعه تدریجی و درکی عمیق از زمان و تغییر نهفته است. دوراندیشی در سنت انگلیسی به معنای پرهیز از شتاب و ایمان به اصلاح تدریجی است. از منشور کبیر تا اصلاحات پارلمانی، از انقلاب شکوهمند تا تشکیل کشور بریتانیا، نتیجه انضباط تاریخی در تصمیم‌گیری‌های کوچک و مستمر است. امروز نیز در مواجهه با چالش‌های معاصر -از برگزیت تا بحران‌های درون خانواده سلطنتی- همان روحیه تاریخی در توانایی ترجمه «بحران به فرایند» و «هیجان به سیاست» وجود دارد. این رفتار آینده‌نگرانه، همان چیزی است که در توسعه ایران مورد نیاز است.

عقلانیت تاریخی بریتانیا در قرن بیست‌ویکم

در دنیای تصمیم‌گیری‌های واکنشی و آنی سیاسی و اقتصادی، بریتانیا همچنان بر سنت سیاست‌ورزی مبتنی بر مصلحت‌سنجی و تعدیل تدریجی باقی مانده است. دو رویداد اخیر، «برگزیت» و «خلع عناوین رسمی شاهزاده اندرو به‌دلیل ارتباط با پرونده جفری اپستین» نشان‌دهنده پویایی سنت دیرینه دوراندیشی در قرن بیست‌ویکم است. نخست، همه‌پرسی سال ۲۰۱۶ برای خروج از اتحادیه اروپا (Brexit) در ظاهر حرکتی احساسی و رادیکال با آرای بسیار نزدیک (۵۲ درصد موافق خروج و ۴۸ درصد موافق ماندن در اتحادیه اروپا) بود. اما مدیریت پس از آن نشان داد که نخبگان سیاسی و بوروکراتیک بریتانیا، به‌جای انکار یا بی‌اعتبارسازی نتیجه رأی، این تصمیم را به‌سرعت به مسیر اجرایی و نهادی منتقل کردند. دولت‌های پس از همه‌پرسی، وارد مرحله تنظیم روابط جدید شدند: مذاکرات طولانی و پیچیده با اتحادیه اروپا، تدوین مقررات جدید بازرگانی، اصلاح سیاست‌های مالی و حفظ پیوندهای فرهنگی با قاره، همگی نمونه‌ای از صبر استراتژیک بودند. جامعه با وجود دودستگی داخلی، توانست مسیر دیگری برگزیند و از توانایی تاریخی در تبدیل هیجان به سازوکار گفت‌وگو و مصالحه استفاده کند. جامعه‌ای که قرن‌ها تمرین کرده است تا از دل آشوب نظم تازه بسازد، حتی در مواجهه با تصمیمی دوقطبی، باز هم راهی برای تداوم عقلانی می‌یابد. اما شاید جلوه ظریف‌تر و درعین‌حال عمیق‌تر این روحیه، در نحوه مواجهه نهاد سلطنت با رسوایی‌های اخلاقی و اجتماعی شاهزاده اندرو در ارتباط با پرونده جفری اپستین در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۵ باشد. تصمیم پادشاه بریتانیا برای خلع عناوین رسمی و محدودکردن نقش عمومی اندرو، نشانه‌ای آشکار از همان مصلحت‌سنجی و آینده‌نگری نهادی است. در نظامی که تداومش بر نقش نمادین اعتماد عمومی استوار است، قربانی‌کردن یک عضو خاندان سلطنتی برای حفظ اعتبار کل نظام، بیانگر درک ژرف از «نسبت میان حیثیت نهاد و آینده آن» است. سلطنت بریتانیا با ارجحیت حیثیت نهاد بر حیثیت فرد، بار دیگر پویایی سنت دوراندیشی و اصلاح تدریجی را نشان داد. برگزیت و پرونده شاهزاده اندرو در ظاهر هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند (یکی تصمیمی اقتصادی و سیاسی و دیگری بحرانی اخلاقی و خانوادگی) اما هر دو از یک منطق واحد «دوراندیشی نهادی و بازسازی اعتماد عمومی» از دل بحران پیروی می‌کنند. دوراندیشی جامعه بریتانیا در عصر معاصر به‌صورت مدیریت بحران از طریق تعدیل، حفظ چهره حاکمیت در برابر افکار عمومی و ترجمه تصمیم‌های دشوار به اصلاحات تدریجی تجلی یافته است. از سیاست داخلی تا روابط جهانی، این جامعه همچنان می‌کوشد رویدادها را در چارچوب منطق توسعه‌ای مدیریت کند: «بحران‌ها را پایانی نیست، بلکه فصلی از بازآفرینی ملی است».

دوراندیشی و عمل‌گرایی از خصلتی فردی و فرهنگی به رویکردی تمدنی

برای درک عقلانیت معاصر در بریتانیا باید آن را در پیوستار تاریخی و فرهنگی این سرزمین جست‌وجو کرد. عقلانیت و عمل‌گرایی که امروزه در رفتار اجتماعی، سیاست و حتی فلسفه این سرزمین دیده می‌شود، حاصل ترکیب پیچیده‌ای از جغرافیا، تاریخ سیاسی، اخلاق کاری و سنت فکری است. انگلستان از آغاز، با واقعیت جزیره‌بودن شکل گرفت. این جدایی طبیعی از قاره اروپا، مردم آن را به‌سوی نوعی محاسبه‌گری تاریخی سوق داد. اقلیم سرد و مه‌آلود جزیره نیز در تکوین خلق‌وخوی آرام، خویشتن‌دار و مصلحت‌جویانه نقش داشت. در عرصه سیاست، انگلستان مسیر ویژه‌ای پیمود. از منشور کبیر در قرن سیزدهم تا شکل‌گیری پارلمان مدرن، بیش از تکیه بر خشونت بر پایه توافق و مصالحه پیش رفته است. فرهنگ گفت‌وگو و اصلاح تدریجی جایگزین فروپاشی شد، به‌طوری‌که انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸ با حداقل خشونت در چارچوب نظم موجود تحقق یافت. در نتیجه، سیاست در انگلستان گفت‌وگویی مداوم است، فرایندی میان نیروهای اجتماعی که در آن هیچ تصمیمی مطلق نیست و همه چیز قابلیت مذاکره و بازنگری دارد. بااین‌حال، هنگامی که به بریتانیا می‌رسیم -شامل انگلستان، اسکاتلند، ولز و (تا اوایل قرن بیستم) ایرلند می‌شود- این عقلانیت سیاسی با لایه‌های پیچیده‌تری همراه می‌شود. برای نمونه، اتحاد انگلستان و اسکاتلند در سال ۱۷۰۷ که منجر به تشکیل پادشاهی متحد بریتانیای کبیر شد، نمادی از مصالحه «عملی» بود؛ جایی که منافع اقتصادی و سیاسی دو ملت در چارچوبی عقلانی ادغام شد. این اتحاد، عقلانیت انگلیسی را به سطحی فراانگلستانی گسترش داد. عقلانیت انگلیسی در حوزه اقتصاد و کار نیز ریشه در همین منطق تدریج دارد. انقلاب صنعتی در قرن هجدهم حاصل نوعی فرهنگ اخلاقی بود که بر انضباط، پشتکار و اصلاح از درون تاکید می‌کرد؛ فرهنگی که منجر به اختراع و نوآوری شد. ازاین‌رو، تحولات صنعتی، آموزشی و اجتماعی در بریتانیا برخلاف بسیاری از کشورها، بدون فروپاشی سیاسی صورت گرفت. در قلمرو اندیشه، همین روحیه به شکل تجربه‌گرایی فلسفی جلوه کرد. از بیکن تا لاک و هیوم، اندیشه بریتانیایی بر مشاهده و تجربه تکیه داشت و از نظریه‌پردازی انتزاعی پرهیز می‌کرد. آنچه اهمیت داشت، «کارکرد» بود. فلسفه در بریتانیا ابزاری برای سامان‌دادن به واقعیت بود. این عمل‌گرایی به‌تدریج به شیوه عمومی اندیشیدن و تصمیم‌گیری بدل شد: اندیشیدن برای عمل. اما این عمل‌گرایی تدریجی فاقد چالش نیست. تاکید بر اصلاح تدریجی گاه به توجیهی برای تعلل در اصلاحات عمیق اجتماعی و حفظ نابرابری ناشی از ساختارهای کهنه‌شده است و در مقیاس جهانی، عامل اصلی استثمار اقتصادی و توجیه توسعه‌طلبی مخرب در دوران امپراتوری بریتانیا بود. جنگ‌های جهانی اول و دوم، جایی که بریتانیا (به رهبری انگلستان) با استراتژی‌های محاسبه‌شده مانند اتحاد با متفقین و مدیریت منابع داخلی، از نابودی نجات یافت، نمونه‌ای از رویکرد عقلانیت و مصلحت‌اندیشی است. حتی در دوران پسااستعماری، مانند استقلال هند در ۱۹۴۷ یا پیوستن به اتحادیه اروپا در ۱۹۷۳ و سپس برگزیت در ۲۰۲۰، تصمیم‌گیری‌ها بر پایه ارزیابی‌های عملی و تدریجی پیش رفتند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این عقلانیت در ازدست‌دادن مستعمرات دیده می‌شود؛ جایی که بریتانیا فرایند استقلال مستعمرات را با رویکردی محاسبه‌شده مدیریت کرد و بدین‌سان زمینه تشکیل کشورهای مشترک‌المنافع (Common-wealth of Nations) را فراهم آورد. این سازمان امروزه بیش از ۵۰ کشور را شامل می‌شود. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که عقلانیت و مصلحت‌اندیشی به عنصری بنیادین فرهنگی در بریتانیا تبدیل شده‌اند که با هدف اصلاح مستمر ساختارهای اجتماعی عمل می‌کنند، بدون آنکه از هویت گسسته شوند. این رویکرد که ریشه در تفکر عمل‌گرایانه دارد، اجازه می‌دهد جوامع با حفظ تعادل میان سنت و تجدد، به سمت توسعه گام بردارند. برای نمونه، در بریتانیا، فرهنگ انگلیسی با تنوع فرهنگی اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی ادغام شده است؛ این ادغام هویت‌های محلی را حفظ کرده که نشان‌دهنده آن است که عقلانیت و دوراندیشی به منطق توسعه تدریجی و گام‌به‌گام تبدیل شده‌اند. در منطق توسعه تدریجی بریتانیا، هیچ‌چیز آن‌قدر مقدس نیست که اصلاح‌ناپذیر قلمداد شود و هیچ‌چیز آن‌قدر بی‌ارزش نیست که حفظ‌ناشدنی باشد. این دیدگاه که بر پایه تعادل و انعطاف‌پذیری استوار است، جوامع را در برابر چالش‌های مدرن مانند جهانی‌سازی یا تغییرات فناوری، تاب‌آور می‌کند و امکان می‌دهد تا میراث فرهنگی با نیازهای معاصر همخوانی یابد. در نتیجه، چنین عقلانیتی نه‌تنها پایداری اجتماعی را تضمین می‌کند، بلکه زمینه‌ساز نوآوری‌های اجتماعی هم می‌شود.

سه‌گانه نهاد، گفت‌وگو و آشتی: توسعه تدریجی در ایران

تجربه تاریخی بریتانیا در توسعه مبتنی‌بر مصلحت‌سنجی و دوراندیشی اجتماعی از تدبیر در بحران‌ها تا صبر و گفت‌وگو در تصمیم‌سازی حاصل عناصر فرهنگی و اجتماعی است که به رویکردهای تمدنی و جهانی این کشور سرایت کرده و نهادینه شده است؛ عناصری که می‌تواند به پیشینه تمدنی عظیم و ظرفیت ذهنی و فرهنگی جامعه ایرانی افزوده شود.

۱. نهادها به‌مثابه عقلانیت اجتماعی و پاسخ‌گویی

در تاریخ توسعه بریتانیا، نهادها به‌مرور زمان جایگزین اراده‌های فردی شدند. در این معنا، نهاد تبدیل به حافظه جمعی جامعه می‌شود و تصمیم‌گیری‌ها از دایره وجود اشخاص فراتر می‌رود. ازهمین‌رو، هر اصلاح یا تحول، با تغییر افراد دچار گسست نمی‌شود و نهادها با پاسخ‌گویی درباره تصمیمات و عملکردها منجر به کارآمدی بیشتر می‌شوند. در جامعه ایران نیز بعد از انقلاب مشروطه (سال ۱۲۸۵ خورشیدی) تاکنون به‌تدریج منطق نهادها جایگزین اراده فردی شده است. اما برای برداشتن گام بلند توسعه‌یافتگی و دولت‌بودگی در جامعه ایرانی، نهادینه‌ساختن فرایند تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی ضروری است. این امر به‌معنای تبدیل عقل فردی به عقلانیت اجتماعی و انتقال تدبیر از سطح اشخاص به لایه ساختار است.

۲. تدریج عنصر خِرَد تاریخی در مسیر توسعه

یکی از عناصر تاریخی تصمیم‌گیری و توسعه در بریتانیا، پذیرش منطق تدریج است. خصلت جزیره‌ای و تجربیات متناوب سیاسی و اجتماعی این سرزمین، به فهم جمعی آنها رسوخ کرده است که تغییرات شتاب‌زده و سریع، حتی با اجماع الیت سیاسی و فرهیختگان، مادامی که با درک و هضم اجتماعی همراه نباشد، به ضد خود بدل می‌شود. ایران در مقابل در مسیر شاهراه تمدن‌ها قرار گرفته و «شتاب» در تغییر اغلب بر «تدریج» غلبه داشته است. عقب‌ماندگی تاریخی توسعه، منجر به الیت‌گرایی در دیدگاه‌ها، محفل‌ها و دولت‌ها در ادوار مختلف برای پیشبرد «شتابان» تغییرات و تحولات شده است. تاریخ تحولات سیاسی و توسعه‌ای ایران آکنده از تلاش‌های جهشی و کوتاه‌مدت است. این تلاش‌ها هرچند با نیت خیرخواهانه آغاز شدند، به دلیل خلأ در زیرساخت فرهنگی و نهادی، در نیمه راه متوقف شدند. پذیرش «تدریج» به‌مثابه استراتژی توسعه می‌تواند بسترهای اجتماعی و فرهنگی را برای پذیرش تغییرات ساختاری، بدون گسست و اِعمال حذف اجتماعی، آماده کند. توسعه تدریجی -با تکیه بر اصلاح مداوم ساختارها و ارجحیت‌دادن به سازگاری آحاد جامعه- نیازمند صبر سیاسی، انضباط اقتصادی و گشودگی برای پذیرش تفاوت دیدگاه‌هاست.

۳. امتناع از مطلق‌گرایی: گفت‌وگو و مذاکره برای روزآمدسازی حکمرانی

گفت‌وگو و تفاهم در فرهنگ سیاسی بریتانیا، ابزار مهمی در حفظ نظم و توسعه تدریجی است. این سنت اجتماعی، بر پایه درکی عقلانی شکل گرفته و هیچ تصمیم سیاسی‌ای مطلق نیست و هر قدرت یا توافقی در گذر زمان نیازمند بازنگری و روزآمدسازی است. از منشور کبیر تا مذاکرات صلح ایرلند شمالی، توافق و گفت‌وگو میان نیروهای اجتماعی تداوم داشته است. این رویکرد، گفت‌وگو و اصلاح تدریجی را به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی نهادینه کرد. چنانچه انقلاب شکوهمند نیز از طریق مصالحه سیاسی تحقق یافت. در این منطق «مخالف سیاسی» شریک گفت‌وگو در مدیریت جامعه است و سیاست به‌تدریج به هنری بدل شد که در آن «تعارض منافع» منبع تعادل اجتماعی جدید است. در نتیجه، سیاست فرایندی میان نیروهای اجتماعی است که در آن، حفظ پیوستگی ساختار بر پیروزی مطلق یک طرف ارجحیت دارد. در ایران وجود پیشینه فرهنگی و حقوقی غنی در گفت‌وگو و مشورت، از سنت شورا در اندیشه اسلامی تا تشکیل شوراهای شهر و روستا و شوراهای عالی وجود دارد. با این حال فضاهای خانوادگی، عمومی و سیاسی بیش از آنکه میدان گفت‌وگو و مذاکره باشد، میدان بازی با جمع صفر و رقابت برای حذف است. در این چارچوب تضاد رویکردها و دیدگاه‌ها به تقابل هویتی و حیثیتی فروکاسته می‌شود و انرژی فکری و اجتماعی در جدال‌های فرسایشی هرز می‌رود. در بافت توسعه‌ای ایران، دو سازوکار گفت‌وگو و مذاکره باید هم‌زمان و در پیوندی مکمل فعال شوند. گفت‌وگو عقلانیت توسعه را در سطح فرهنگی و اجتماعی تقویت می‌کند، درحالی‌که مذاکره همان عقلانیت را در سطح سیاست‌گذاری و حکمرانی عملیاتی می‌کند. در این منطق «گفت‌وگو برای فهم» و «مذاکره برای توافق» فرایندی است که اختلاف دیدگاه را به قاعده بدل و تضاد را به انرژی سازنده برای کاهش ناکارآمدی‌ها تبدیل می‌کند. با نهادینه‌سازی زبان مصالحه و پذیرش تفاوت دیدگاه‌ها، شکاف‌های فکری و سیاسی از تهدید به حذف به فرصتی برای بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و استعدادهای جامعه تبدیل می‌شوند. تضاد در چنین بستری منبع پویایی است؛ زیرا موجب بازتوزیع قدرت، توازن منافع و گردش نخبگان می‌شود. این سازوکار می‌تواند هم‌زمان پایداری اجتماعی را تضمین کند و بستر خلق نوآوری‌های را گسترش دهد. در واقع، جامعه توسعه‌گرای ایرانی با مدیریت عقلانی تضادها می‌تواند رقابت را به همکاری تبدیل کند و به منطق هم‌افزایی گذر کند.

۴. عبور از تروما: در جست‌وجوی آشتی معرفتی با تاریخ

یکی از جلوه‌های عقلانیت اجتماعی در بریتانیا، توانایی آگاهانه برای مصالحه با گذشته و تبدیل حافظه کینه‌محور (Vengeful Memory) به حافظه سازنده (Transformative Memory) است. این ملت، پس از قرن‌ها منازعه و دشمنی داخلی و خارجی، آموخت بقا در گرو فراموشی گزینشی، مدیریت جراحت‌ها و بازتعریف گذشته در چارچوب اکنون و آینده است. از جنگ‌های داخلی قرن هفدهم و کشتارهای مذهبی تا قرن‌ها خصومت و رقابت خونین با اسکاتلند، ایرلند و حتی فرانسه، انگلستان هرگز از زخم‌های تاریخی خالی نبوده است. اما این ملت توانست با مدیریت زخم‌ها و تحقیرهای تاریخی در قالب پیمان‌های سیاسی، اصلاحات حقوقی و گفت‌وگوهای ملی تروماهای نسل به نسل را کاهش دهد و خِرَد توسعه مداوم را کسب کند. ملت ایران نیز برای عبور از یکی از موانع پنهان توسعه، نیازمند مدیریت آگاهانه جراحت‌های تاریخی و دستیابی به «شفای جمعی» (Collective Healing) از «ترومای تاریخی» (Historical Trauma) است. رویدادهای نظیر انقلاب مشروطه، ملی‌شدن صنعت نفت و وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ازدست‌رفتن قفقاز و آسیای میانه، اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، از سطح وقایع تاریخی به سطح هویت جمعی و بعضا به مانعی برای هم‌گرایی و اجماع درونی بین نیروهای سیاسی و بازتعریف منافع ملی در جهان پیچیده امروز تبدیل شده است. احساسات تاریخیِ آسیب‌دیده ایرانی، گذشته را به معیار قضاوت اکنون بدل و فرصت تعامل، دوراندیشی اجتماعی و عقلانیت توسعه‌گرا را پرچالش می‌کند؛ درحالی‌که با بازخوانی انتقادی تاریخ و عبور آگاهانه از بار احساسی آن، می‌توان به آشتی معرفتی با گذشته دست یافت. آزادی از حصار عاطفی، این امکان را می‌دهد تا اندیشه‌ورزانه از حافظه تاریخی پلی برای آینده بنا نهیم.

پی‌نوشت:

در این یادداشت، «انگلستان» به وقایع پیش از اتحاد انگلستان و اسکاتلند در یک می ۱۷۰۷ میلادی اشاره می‌کند. بریتانیا به تاریخ بعد اتحاد و تشکیل کشور «پادشاهی متحد بریتانیای کبیر» (Great Britain) تصریح دارد.

آگهی تغییر نام(نوبت سوم)

به استناد مجوز صادره از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نام انتشارات «سابحات» به « رهاو » تغییر یافت.

صاحب امتیاز : محمدمهدی دری

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان دورود-سری (۴۸۲) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی دورود مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴,۱۱,۴ نوبت دوم: ۱۴۰۴,۱۱,۱۹

۱ – تقاضای «رضا شیرزادی» فرزند «علی محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۹۶۵,۲۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۱۰» فرعی از «۱۰۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حمید بازدار فرزند روح اله»

۲- تقاضای «عیسی صحرائی» فرزند «موسی» نسبت به «سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۱۰۷,۷۳ و ۹۶۰,۸۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۱۸ و ۱۷۱۹» فرعی از «۱۲۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث حسین و پرویز سگوند از مالکیت عزیز سگوند»

۳- تقاضای «کتایون جودکی» فرزند «یار محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۹۲,۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۷۳» فرعی از «۷۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه « حجت اله بیرانوند (ایران دوست) فرزند حسین سند ۱۰۷۴۱ مورخ ۱۳۵۲,۰۲,۲ دفتر ۱۴ همدان»

۴ - تقاضای «علی قائدرحمت» فرزند «صفر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۹۱۲ و ۳۹۷۱۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۴ و ۱۰۵» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صفر قائدرحمت فرزند جعفر»

۵ - تقاضای «صفر قائدرحمت» فرزند «جعفر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۶۰۹۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۶» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۶- تقاضای «رسول پایزدان» فرزند «صفر علی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۸۰۰,۱۶ و ۳۰۰,۴۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۱۸ و ۴۰۱۹» فرعی از «۹۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صفر علی پایزدان فرزند علی»

۷ - تقاضای «علی کرمی کیا» فرزند «شامهدی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۷۸۴,۴۵ و ۳۶۰۰,۶۴ و ۵۶۹۳,۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۲ الی ۲۳۴» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم»

۸ - تقاضای «علی عباس پاپی» فرزند «شاه مدی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۷۱۴,۸۴ و ۳۶۵۳,۹۹ و ۵۷۴۱,۸۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۱ و ۲۳۵ و ۲۳۰» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم سند ۳۶۳۹۹»

۹ - تقاضای «علی کرمی کیا و علی عباس پاپی» فرزند «شامهدی و شاه مدی» نسبت به «هرکدام سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۳۴۴۳,۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۲۹» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم سند ۳۶۳۹۹ مورخ ۱۳۵۳,۲,۱ دفتر ۲ کرمانشاه»

۱۰- تقاضای «مجید رحمتی یکتا» فرزند «غلام» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۲۵۰۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۴» فرعی از «۹۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سند مشاعی پدر متقاضی بنام غلام آسترکی»

شناسه اگهی ۲۱۰۱۱۴۴

رضا افروغ
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود ۶۸۵۶

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان گلریز(سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۵۳و شناسه ملی۱۰۳۸۰۱۳۱۸۴۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان گلریز(سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۳۵۳ و شناسه ملی۱۰۳۸۰۱۳۱۸۴۳دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه دوره مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱صاحبان سهام ،که در روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۳۰راس ساعت ۹صبح به نشانی :مشهد-کیلومتر۳۰جاده مشهد-قوچان شهرک صنعتی طوس-فاز یک-قطعه دوم کد پستی۹۱۸۵۱۷۶۷۵۴ برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه :

۱-استماع گزارش هیئت مدیره و حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت
۲- تصویب صورت وضعیت مالی ،صورت حساب سودو زیان ،تغییرات در حقوق مالکانه و جریان های نقدی منتهی به سال مالی ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
۳-انتخاب بازرس اصلی و علی البدل
۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت
۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت مدیره

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR